

Psychology and Social Health

خانواده و بحران هویت نوجوانان

فرزانه سادات موسوی منفرد^۱، لیلا سهرابی زاده^۲

۱دانشجوی کارشناسی، پردیس حضرت معصومه(س)، دانشگاه فرهنگیان قم، ایران
moosavimonfared@gmail.com

۲دانشجوی کارشناسی، پردیس حضرت معصومه(س)، دانشگاه فرهنگیان قم، ایران
lsohrabizadeh@gmail.com

چکیده

هدف این مطالعه بررسی مفهوم هویت و بحران هویت و تاثیر خانواده بر بحران هویت نوجوانان است. این مطالعه به روش کتابخانه ای انجام شده و با مراجعه به اسناد و مدارک، اطلاعات مورد نیاز جمع آوری گردید. این مطالعه نشان داد یکی از مهم ترین رویدادها در دوره ی نوجوانی پدیده بحران هویت است و هر گونه اختلال در این بین باعث تشدید بحران هویت در نوجوانان می شود. از میان عوامل تاثیر گذار بر هویت، خانواده بیشترین نقش را داراست، و خانواده با حمایت های عاطفی و روانی و سبک های تربیتی خود می تواند منجر به کاهش و یا تشدید بحران هویت در نوجوانان شود.

کلیدواژه ها: بحران هویت، نوجوان، خانواده

Family and adolescent identity crisis

Farzane sadate Moosavimonfared¹ Leila Sohrabizadeh²

¹ Undergraduate students, Faculty of Educational Sciences, University
teachersQom, Iran,

² Undergraduate students, Faculty of Educational Sciences, University
teachersQom, Iran

Abstract

The purpose of this study is to examine the concept of identity and identity crisis and family influence on adolescent identity crisis. This study is done in library type, and the required information was collected by referring to the documentation. This study shows that one of the most important events in adolescence is identity crisis phenomenon and any impairment in this field exacerbate adolescent identity crisis. Among the factors affecting the identity, the family has the greatest role, and Families with emotional support and mental training could lead to a reduction or resonance in adolescent identity crisis.

Keywords: Identity Crisis, teen, family

Psychology and Social Health

۱- مقدمه

نوجوانی، مرحله‌ای حساس و تعیین‌کننده است. رشد جسمانی، فیزیولوژیک، تجربه بلوغ و تجربه‌های اجتماعی خاص این دوران، موجب می‌شود که فرد طی تعامل با محیط پیرامون، با سؤالاتی از قبیل: «من کیستم؟»، «اطرافیان من کیستند؟»، «چرا اطرافیان من اینگونه‌اند؟»، «چرا دیگران این گونه نیستند؟» مواجه گردد. تلاش برای پاسخ دادن به این سؤالات منجر به شناخت خود و درک تمایز خود از محیط پیرامون می‌شود. هرچه توانایی فرد برای پاسخ به این قبیل سؤالات بیشتر باشد، توانایی او برای ارائه مجموعه صفات منسجم از خود بیشتر است که این امر، نشانگر هویت منسجم در فرد می‌باشد. همچنین عدم توانایی فرد برای پاسخ گویی به این قبیل سؤالات، نشانگر «بحران هویت» در اوست. (مریدی و تقی زادگان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶).

خانواده نخستین گروهی است که به صورت طبیعی وجود داشته و جامعه بر آن بنا شده است. چگونگی و کیفیت عملکرد خانواده در تحقق وظایف خویش شاخص مناسبی جهت ارزیابی عملکرد جامعه می‌باشد. هرچه خانواده دارای عملکرد خوب و سالم تری باشد به همان نسبت ثبات و سلامت جامعه بیشتر تأمین شده است و برعکس هرچه خانواده از عملکرد بدتر و آشفته تری برخوردار باشد، به همان نسبت جامعه بیشتر تهدید شده است. بنابراین هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، مگر آنکه از خانواده‌ای سالم برخوردار باشد (رجایی و تیموری و ساقی، ۱۳۸۷). از طرفی خانواده، هسته‌ی اولیه‌ی شکل‌گیری هویت فرد است و این امر از هنگام تولد و آن گاه آغاز می‌شود که پدر و مادر با «نام‌گذاری» کودک خود، جایگاه یا موقعیت ویژه‌ای به فرزند خود می‌دهند. از آن پس، با رشد تدریجی کودک طی چند سال، تعلقات خانوادگی او بیش‌تر و بیش‌تر می‌شود تا به نوجوانی برسد (سبحانی جو، ۱۳۸۳، ص ۴۰). امروزه اغلب روانشناسان، رشد انسان را شامل رشد جسمانی، اجتماعی، عقلانی و عاطفی می‌دانند. رشد و تحول به تغییرات در ساختار و کاربرد ویژگی‌های انسان مربوط است. تغییرات به طور مداوم روی می‌دهند آنها یکسان نیستند. اما از تعامل وراثت و محیط، نشأت می‌گیرند. (خلیلی شورینی، ۱۳۷۷، ص ۴۷). شواهد گواه بر این امر هستند که تغییرات برجسته در اندام‌های بدن در دوران نوجوانی به مراتب بیش از تغییرات عقلانی است. چنین به نظر می‌رسد که ماهیت هوش از دوران کودکی تا بزرگسالی تغییر نمی‌نماید به استثنای تغییرات تدریجی که با کسب معلومات و تجارب حاصل می‌گردد. بديهی است چنین تغییرات کیفی نبوده و در زمره اعمال عقلانی نخواهد بود. یکی از وظایف اصلی و اساسی رشد در دوران نوجوانی، بدست آوردن هویت خویش است. فرد جوان در معرض نقش‌ها و ارزش‌های اجتماعی بسیار قرار می‌گیرد که باید از میان آنها، انتخاب لازم را انجام دهد تا پایه و اساسی برای رفتار مناسب خویش، پی‌ریزی نماید (همان، ص ۵۳). دوران نوجوانی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و سرنوشت و آینده فرد به تصمیمات درست و منطقی او در این دوران گره خورده است. اریک اریکسون ۱ در نظریه ۸ مرحله‌ای خود، دوره‌ی نوجوانی را دوره‌ی بحران می‌نامد که در آن فرد به انسجام هویت یا آشفتگی هویت می‌رسد. آنچه مهم به نظر می‌رسد، این است که بحران هویت هرچه بیش‌تر ادامه یابد، اثرات وخیم‌تری بر شخص می‌گذارد و سبب می‌شود فرد نتواند از توانایی‌های خود استفاده کند. بخش قابل توجهی از افسردگی‌ها، احساس پوچی کردن‌ها و دل مشغولی‌های بی‌هدف و بیهوده نتیجه‌ی بی‌هویتی است. لذا شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت نوجوانان بسیار مهم به نظر می‌رسد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که عوامل متعددی در شکل‌گیری هویت نوجوانان دارای نقش و اهمیت هستند. از جمله این عوامل می‌توان به خانواده، مذهب، مدرسه، محل زندگی، نهاد‌های اجتماعی و مذهبی و رسانه‌های گروهی اشاره کرد (احدی و جمهری، ۱۳۸۰). به نظر می‌رسد، از میان عوامل یاد شده، خانواده از اهمیت بیش‌تری برخوردار باشد؛ زیرا خانواده محیطی است که در آن کودک چشم به دنیا می‌گشاید، تحول خود را آغاز می‌کند، شخصیتش پایه‌ریزی می‌شود و سعادت یا شقاوت وی ریشه می‌گیرد (احدی و محسنی، ۱۳۷۲ به نقل از زنجفی، ۱۳۸۳). با توجه به مطالب فوق، در این مقاله سعی شده است تا تأثیر خانواده بر بحران هویت نوجوانان مورد بررسی قرار گیرد.

^۱ Erik Erikson

Psychology and Social Health

۲- هویت و بحران هویت چیست و چه مفهومی دارد؟

هویت عبارت است از افتراق و تمایزی که فرد بین خود و دیگران می گذارد. هویت شخصی سازه ای روانی-اجتماعی است و طرز فکر و عقاید و نحوه ی ارتباط فرد با دیگران را شامل می شود (احمدی، ۱۳۷۵). مفهوم هویت به دو بعد ذهنی و عینی تقسیم می شود. بعد ذهنی آن در واقع گرایش و اعتماد فرد به دیگران و بعد عینی، مشارکت اجتماعی فرد را شامل می شود (شریفی و کاکاوندی، ۱۳۸۹ ص ۱). اصطلاح هویت به معنای مجموعه ای از عوارض و اوصاف پایدار است که به اعتبار آن، فرد از دیگران متمایز می شود. این اصطلاح در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در روانشناسی فردی و جمعی و سپس در جامعه شناسی کاربرد فراوانی یافته است. این اصطلاح حکایت از کشف جدیدی نداشته، چون با الفاظ دیگری چون منش و شخصیت، بیان می شده است. شایستگی از عوامل رواج این اصطلاح به دلیل تحقق پدیده ای است که امروزه آن «بحران هویت» می گویند. به عبارت دیگر برای عده زیادی از روانشناسان و جامعه شناسان موضوع مهم نه خود هویت، بلکه بحران هویت است (حاجیانی و همکاران، ۱۳۸۷ ص ۱۲). یکی از بحران های مهم در طول زندگی، بحران هویت است که در نوجوانی اتفاق می افتد و در سازگاری شخصی، روابط اجتماعی، پیشرفت تحصیلی و طرح ریزی شغلی نوجوان اختلال عمده ای ایجاد می کند. «من کیستم؟» این سؤال است که ذهن هر فرد، به ویژه جوانان و نوجوانان را به خود مشغول می کند و برای یافتن پاسخ همین سؤال افراد را به جست و جوی خویشتن و کسب هویت برمی انگیزد. در دوران نوجوانی، به موازات رشد فیزیکی، شناختی، عاطفی و اجتماعی هویت یابی اهمیت خاصی پیدامی کند. بسیاری از نوجوانان با شور زیادی از خود می پرسند: جایگاه اجتماعی من کجاست؟ شغل آینده من چیست؟ رشته تحصیلی من چه خواهد بود؟ سرانجام با چه کسی ازدواج خواهم کرد و ارزش های اخلاقی و فلسفی من چه خواهند بود؟ (دهشیری، بی تا).

بحران هویت به وضعیتی گفته می شود که فرد یا جامعه، هوشیاری و آگاهی لازم را نسبت به خود از دست بدهد و حالت مردد و ناپایدار به خود بگیرد. (ربانی، ۱۳۸۱ ص ۲۳) روان شناسان از بحران هویت فرد و جامعه تعریف های متفاوتی ارائه داده اند. برای مثال «عدم موفقیت نوجوان» در شکل دادن به هویت فردی خود، اعم از این که به علت تجارب کودکی یا شرایط نامساعد فعلی باشد، بحرانی ایجاد می کند که بحران هویت یا سرگشتگی نام دارد. (شرفی، ۱۳۸۰ ص ۱۸) در تعریف دیگری، اریکسون^۱ بحران هویت را «عدم توانایی نوجوان در قبول نقشی که جامعه از او انتظار دارد»، به کار برده است. (همان) روشن است که همین حالت بحران می تواند فراتر از فرد در زمینه ی اجتماعی نیز بروز کند و بحران اجتماعی به وجود آورد. در نتیجه ی این بحران، جامعه وفاق و هم بستگی خود را از دست می دهد و از پیگیری آرمان های اساسی زندگی خود دور می ماند که به تبع آن افراد نیز دچار سرگشتگی و سردرگمی می شوند. در حالت بحران هویت اجتماعی، افراد نقش خود را در گروه نمی دانند و در سطح کلان تر، جامعه نیز کارکرد خود را از دست می دهد و دچار سردرگمی می گردد، نهادهای اجتماعی از حالت تعادل خارج می شوند و منزلت اجتماعی افراد لطمه می بیند (سبحانی جو، ۱۳۸۳ ص ۲۳). مشکلی که دروازه ی بحران هویت وجود دارد، نشانگر این معناست که فرآیند کسب هویت، آسیب زا است. اما اریکسون اضافه می کند که بحران هویت یک دوره تصمیم گیری بهنجار است، نه دوره ناگهانی و بدون نظم یا اجبار همراه با تنش و اضطراب. تحقیقات اخیر نیز حاکی از آن است که بیشتر نوجوانان به اندازه ی کافی «من» نیرومندی دارند تا با مشکلات همراه با هویت خوب مقابله کنند (کلمن، ۱۹۸۷ به نقل از یابانگرد، ۱۳۷۶ ص ۱۲۵).

۳- نوجوان و هویت یابی

اریکسون اولین کسی بود که هویت را به عنوان پیشرفت مهم شخصیت نوجوان و گامی مهم به سمت تبدیل شده به بزرگسال ثمر بخش و خوشحال تشخیص داد. تشکیل هویت عبارت است از اینکه مشخص کنید چه کسی هستید، برای چه چیزی ارزش قایلید، و تصمیم گرفته اید چه مسیری در زندگی دنبال کنید. (برک ۱۳۹۲ ص ۶۸)

^۱ Erikson

Psychology and Social Health

آنا فروید در کتاب «مطالعه روان کاوانه کودک» در مورد نوجوانی می نویسد: «اگر کودکی در دوران نوجوانی متعادل بماند، نابهنجار است. چون تظاهرات دوران نوجوانی شبیه نشانه های روان رنجورانه، روان پریشانه یا غیر اجتماعی است و نمی توان آن ها را از بیماری های روانی متمایز ساخت» (فروید، ۲، ۱۹۵۸، به نقل از هربرت، ۳، ۱۳۷۸، ص ۲۲۲). در دهه ۱۹۶۰ یک روان پزشک کودک به نام گیلپی^۴ در کتاب «مبانی روان پزشکی کودک» نوشت: «تناقض ها و ناهماهنگی های حیرت آورده دوران نوجوانی که حاکی از بی ثباتی شدید نوجوانان است، گاهی ما را ادا می کند آن را با بیماری اسکیزوفرنی اشتباه بگیریم» (گیلپی، ۱۹۶۸، به نقل از هربرت، ۳، ۱۳۷۸، ص ۲۲۲). اریک اچ، اریکسون^۵ (۱۹۶۳) از هشت مرحله زندگی انسان صحبت به میان آورده است که هر دوران عهده دار وظیفه ای در ارتباط با رشد فردی باشد، وظیفه مرحله ی نوجوانی و اوایل بزرگسالی در زیر آورده می شود.

۳-۱- هویت یابی در برابر آشفتگی نقش (۱۲ تا ۱۸ سالگی) :

« هدف در این مرحله تکامل هویت «خود» است. یعنی بدست آوردن اطمینان کافی از یکنواختی هویت و تداوم آن . خطر در این مرحله، آشفتگی نقش به ویژه شک کردن در هویت جنسی و شغلی است. اگر نوجوان در یکی کردن نقش هادرموقعیت های گوناگون، چنان موفق شود که در ادراک از خویش به تداوم برسد، هویت ایجاد شده است. و اگر نتواند در جنبه های مختلف زندگی به ایجاد حس پایداری برسد، آشفتگی نقش ایجاد می شود» (خلیلی شورینی، ۱۳۷۷، ص ۳۹). از آنجاکه نوجوانی، دورانی است که تلاش بسیار برای شناختن هویت «خود» به کار برده می شود، با پیشرفت هر دوره ی نوجوانی، ثبات در رفتار، افزایش می یابد. هویتی که هر نوجوان با مقداری جرح و تعدیل در نهایت می پذیرد، شبیه خود اوست. (به استثنای سازش هایی که فرد، هنگام برخورد با واقعیت می پذیرد). لازم است بزرگسالان، نوجوانان را قبل از آنکه بحران هویت در نوجوانی ظاهر گردد با جزئیات هرنقش، پذیرش خود و قبول دیگران آشنا سازند (همان ص ۴۳).

۴- رابطه هویت و خود پنداره

دیدگاه اریک اریکسون در مورد پیدایش هویت بسیار معروف است. از نظر اریکسون (۱۹۶۸ و ۱۹۶۵) در این مرحله نوجوانان با یک چالش یا تکلیف خاص روبه رو هستند و آن «هویت» و یا «آشفتگی هویت» است که مقابل یکدیگرند. نوجوانان پس از هر گذراندن نقش های کودکانه با این پرسش مشغول می شوند که «کی هستم؟» سپس برای یافتن پاسخ این پرسش، هویت ها و نقش ها و روابط مختلفی را امتحان می کنند. آن ها در این خود کاوی به آزمایشگری متوسل می شوند. برخی از آن ها خیلی زود صاحب یک خویشتن ناپخته می شوند «بسته شدن زود هنگام هویت». عده ای هم خیلی دیر خود را می یابند. وقتی پسر ها و دخترها هویت روشنی کسب نمی کنند و هویت خود را نمی یابند، ممکن است دچار افسردگی و حتی ناامیدی شوند. این احساسات به اضافه احساس پوچی و سرزنش خویش برخی از نشانه های «آشفتگی هویت» مورد نظر اریکسون است. مهم ترین شرط سازگاری روان شناختی مطلوب در امر تحصیل و در سایر شئون زندگی، هماهنگی خود پنداره (یعنی همان کسی که هستیم) و خود آرمانی (یا همان کسی که می خواهیم باشیم) است (آزوبل^۶ و همکارانش، ۱۹۵۴). اختلاف زیاد بین این دو (یعنی داشتن خود پنداره ی منفی) موجب اضطراب، عدم شادی و نارضایتی می شود (کراندال^۷ و بلاگی^۸، ۱۹۴۵). داشتن نگرش های مثبت در مورد خود، از جمله اجزای اصلی بهداشت روانی، و خود پنداره منفی از جمله زمینه های مهم ناسازگاری محسوب می شود (کوپر اسمیت^۹، ۱۹۶۷). نوجوانانی که خود پنداره ی مثبتی دارند از احساس اضطراب رنج نمی برند. آن ها به ادراک ها و واکنش های خویش اطمینان دارند و مطمئن هستند که تلاش هایشان نتیجه خواهد داد. بر خورد آن ها با دیگران نیز بر مبنای این انتظار است که با آن ها خوش رفتاری خواهد شد. البته خوش بینی

^۱ Anna Freud

^۲ Freud

^۳ Herbert

^۴ Gillespie

^۵ Erik Erikson

^۶ Ausubel

^۷ Crandall and Bellugi

^۸ Cooper Smith

Psychology and Social Health

آن‌هایی دلیل نیست و مبتنی بر سنجش دقیق آن‌ها از توانایی‌ها، مهارت‌های اجتماعی و خصایص شخصی خود است. آن‌ها خجالتی نیستند یا با مشکلات خویش اشتغال و سواسی ندارند. همچنین، در مقایسه با نوجوانانی که عزت نفس ضعیفی دارند، کمتر مبتلا به اختلالات روان‌تنی هستند (هربرت، ۱۳۷۸، ص ۲۲۸ و ۲۲۷). ریدان و گریفینگ^۲ (۱۹۸۳) معتقدند ارتباط مثبت پدر و مادر با فرزند برای رشد یک خود پنداره نیرومند که بتواند از مشکلات رفتاری پیشگیری کند دارای اهمیت زیادی است. رشد و پدیدآیی هویت یک جستجوی فعالانه و یک تعهد ضروری برای رسیدن به نقطه نظرات شخصی، قواعد اخلاقی، اهداف و آرزوهای زندگی فعلی و آتی نوجوانان است، که نوع پرورش فرزند والدین می‌تواند در تکامل آن اثری مثبت داشته و ی به عنوان مانعی در راه رسیدن به هویت سالم عمل کند. (اریکسون، ۱۹۶۸، به نقل از امانی و گرم‌خانی، ۱۳۹۳، ص ۵۳۳)

۵. عوامل مؤثر در احراز هویت

موفقیت در کسب یک هویت پایدار منوط به بلوغ بدنی و جنسی، شایستگی در تفکر انتزاعی، و پایداری در مقابل هیجانات است. علاوه بر این، آزادی از تأثیرات محدودکننده والدین و همسالان تا حدودی ضروری است که احتمال می‌رود در اواخر نوجوانی این وضعیت مهیا شود. کارول گاردو و جانیس بوهن^۳ (۱۹۷۱) خاطر نشان می‌سازند که حداقل چهار مسئله‌ی اساسی در احساس فردی هویت وجود دارد:

۱- انسانی، این احساس که فرد یک موجود انسانی است.

۲- جنسیت، احساس فرد از مردانگی یا زنانگی.

۳- فردیت، این شناخت که فردی خاص و بی نظیر است.

۴- پایداری، این آگاهی که فرد همان شخصی است که روز قبل بوده است. از این رو، رشد احساس هویت مستلزم این است که یک فرد دریابد «او دارای هویت بی نظیر و واحدی است، زن و یا مردی است جدای از دیگران و به طور کلی شبیه هیچ فرد دیگری نیست.» (بیابانگرد، ۱۳۷۶، ص ۱۲۷ و ۱۲۴).

۶. واکنش نوجوانان در برابر ارزش‌های بزرگسالان

به ندرت نوجوانان، نگرش‌های بزرگسالان را می‌پذیرند، لذا باورهای جدیدی برای خود برمی‌گزینند. نگرش‌ها خواه حضور در مکان‌های مقدس، پوشیدن لباس مخصوص و یا انجام آداب و رسوم خاص و غیره باشد، نوجوان احساس می‌کند که باید اینگونه امور را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و تصمیم نهایی را شخصاً اتخاذ نماید. اگر بزرگسالان اجازه‌ی این بررسی و تجزیه و تحلیل را به نوجوانان ندهند، در واقع آنان را در بدست آوردن هویت، رشد و بلوغ خویش دلسرد می‌نمایند. نوجوان نظام ارزش‌ها و فرهنگ جامعه‌ی خویش را زیر سؤال برده، پاره‌ای را پذیرد و بعضی را طرد می‌نماید. در این میان اوبه شکاف بین ارزش‌های مورد تأیید بزرگسالان و رفتاری که برخلاف آن ارزش‌ها، از آنان سر می‌زند، واقف می‌گردد. علی‌رغم اینکه بزرگسالان ممکن است نوجوانان را منفی‌گرا مطرح نمایند، تعداد بسیاری از آنان انشعاب و اختلاف بین نظام ارزش‌ها و رفتار بزرگسالان را فرصتی جهت انسانی نمودن ارزش‌های جامعه محسوب می‌دارند. بنابراین عده‌ی زیادی از نوجوانان از نظر نظام ارزش‌ها با والدین خویش اختلاف نظر داشته و در راه تشکیل جامعه‌ای با ارزش‌های مناسب تلاش می‌نمایند. (خلیلی شورینی، ۱۳۷۷، ص ۵۳ و ۵۲).

۷. خانواده و بحران هویت

^۱ Herbert

^۲ Reardon & Griffing

^۳ Guard Carol & Janice Bvhn

Psychology and Social Health

ماکروز و مک کابی معتقدند خانواده، فرهنگ و مذهب نقش مهمی در احراز هویت نوجوانان ایفای کنند (نجفی، احدی، دلاوری، ۱۳۸۵: ۱۸). خانواده در عین این که کوچکترین واحد اجتماعی است، مبنا و پایه ی هرجاهت بزرگتر است (احدی، محسنی، ۱۳۷۲).

خانواده به عنوان نخستین پایگاه تربیت، در تمام مراحل رشد به ویژه در سال های نوجوانی، نقش مهمی بر عهده دارد. در حقیقت پایه و اساس شخصیت فرد در خانواده پی ریزی می شود. از مهم ترین و اساسی ترین افرادی که می توانند در جلوگیری از بروز بحران هویت در نوجوان مؤثر باشند، پدر و مادر هستند؛ زیرا اولین افرادی که نوجوان با آنان در ارتباط است، والدین او می باشند. هویت یابی از طرفی به دوران کودکی ارتباط می یابد چون پایه و اساس مرحله ی نوجوانی، دوره ی کودکی است که به خانواده - به ویژه پدر و مادر - بستگی دارد. می دانیم که نوجوان از خانواده ی خود الگو می پذیرد. اگر پدر و مادر از نظر رفتاری الگوهای مناسبی ارائه دهند، همانندسازی نوجوان با آنها، هویت او را در جهت مثبت شکل می دهد. برعکس، همانندسازی های نامناسب با الگوهای ناموفق والدین، روند هویت یابی او را مختل می کند. در این زمینه اختلافات خانوادگی به ویژه اگر در حضور نوجوان مطرح گردد، تاثیر بسیار منفی در جریان تشکیل هویت نوجوان به جای می گذارد و او را دچار اضطراب، نگرانی و ناامنی می سازد. (قاسم زاده، ۱۳۸۰)

نوع و سبک تربیت والدین، نقش مهمی را در شکل گیری هویت نوجوان بازی می کند هرگونه افراط و تفریط در روش های تربیتی ممکن است راه را برای بروز بحران هویت نوجوان هموار سازد. دادن آزادی های نامحدود و برعکس آن، یعنی استبداد در خانواده، باعث گسستگی هویت نوجوان خواهد شد. آشنا ساختن نوجوان با مبانی دینی را می توان مهم ترین وظیفه والدین قلمداد نمود که پایه و اساس تربیت نوجوان محسوب می شود. از دیگر مسائل مهم میان نوجوان و والدین، ایجاد روابط صمیمی و دوستانه آنها می باشد که می تواند راهگشای بسیاری از مشکلات پیش روی نوجوان باشد. اگر نوجوان دوستان صمیمی و دلسوزی چون پدر و مادر داشته باشد و خانه را محیطی امن برای خویش به شمار آورد، در این صورت دوستان بد نخواهند توانست وی را به بیراهه کشند. از دیگر وظایف والدین می توان به نظارت آنها بر استفاده نوجوانان از فناوری اطلاعات اشاره نمود. راه کار دیگر در امر وظایف والدین، ارتباط تنگاتنگ آنان با مدرسه است که راهی برای پیشگیری بروز مشکلات می باشد. امروزه استفاده از مشاوره خانواده و به کارگیری فنون روان شناسی نیز از ضروریات وظایف والدین شمرده می شوند (نجفی علمی، ۱۳۸۹: ص ۲۳ و ۲۲).

همان گونه که تحقیقات نشان داده، نقش والدین و به تبع آن، عملکرد خانواده در میزان هویت یابی نوجوان نقش بسیار مهم دارد. والدین با دادن آگاهی و بینش به نوجوانان می توانند آینده آنان را در اجتماع بیمه کنند و فقدان والدین و البته عملکرد نامطلوبشان به هر دلیل می تواند نوجوان را دچار سردرگمی و بحران کند. رفتارها و تعاملات درون خانواده، پیشرفت آن ها را در شکل گیری هویت تحت تاثیر قرار می دهد. در توجیه وجود ارتباط بین نقش ها و بحران هویت باید گفت که احتمالاً هر اندازه نقش هادر خانواده مشخص تر باشد و خانواده در انجام وظایف و کارکردهای مورد نظر بهتر عمل کند، هویت یابی نوجوان تسهیل می شود. این سازه نشان می دهد که کارایی خانواده در گروه مشخص بودن جایگاه و وظایف اعضای آن، تفاهم درباره نقش های محول شده و تعیین نقش ها و مرزهاست. در مورد ارتباط بین حل مسئله و بحران هویت باید گفت: وقتی در خانواده مشکلاتی به وجود بیاید و خانواده قدرت حل مشکلاتش را نداشته باشد و اعضای خانواده در مواقع بحران از یکدیگر حمایت نکنند، نوجوان از چنین مشکلاتی متأثر شده، نقش و جایگاه خود را کم می کند و دچار سردرگمی و آشفتگی می شود (بررسی رابطه کارایی خانواده و دینداری). مینوچین ۲ (۱۹۷۴) نیز خانواده را کانون شکل گیری هویت فرد قلمداد می کند و آن را خاستگاه هویت انسان می داند. او معتقد است که احساس هویت متکی بر دو رکن است: یکی احساس تعلق و دیگری مجزای بودن وی از خانواده را آزمایشگاهی می داند که این دو جزء در آن با هم مخلوط و نسخه پیچی می شوند (مینوچین، ترجمه ی ثنایی، ۱۳۷۵). بنابراین می توان ادعا کرد که تمامی مقولات گوناگون تحول انسان عمیقاً تحت تاثیر محیط خانواده هستند. وقتی خانواده پایگاهی

^۱ Macro & Mac Kaby

^۲ Mynvchyn

Psychology and Social Health

امن برای نوجوان به حساب آید و او بتواند با اطمینان خاطر از چنین پایگاهی به سوی دنیای وسیع‌تری به حرکت درآید، روند شکل‌گیری هویت وی تقویت خواهد شد. پژوهش‌های موجود نشان می‌دهند، نوجوانانی که به والدین خویش وابسته‌اند و در عین حال نظرات خود را به راحتی و آزادانه با آنان و دیگر بزرگ‌ترهای خویش در میان می‌گذارند، به وضعیت دستیابی به هویت یا حد اقل به وضعیت تعلیق هویت می‌رسند (گروتوانت و کوپر ۱۹۸۵، هاووزر ۲ و همکاران ۱۹۹۱). نوجوانانی که دچار توقیف هویت هستند نیز معمولاً وابستگی زیادی به والدین خود دارند، اما از فرصت‌های لازم برای کسب استقلال و جدا شدن سالم از خانواده برخوردار نیستند (پاپینی به نقل از لطف‌آبادی ۱۳۷۹). مطالعات نشان داده‌اند که بین نوع تعاملات خانوادگی و منزلت‌های هویتی رابطه وجود دارد. برای مثال نوجوانانی که به کرات از سوی خانواده ی خود طرد می‌شوند، به احتمال زیاد در منزلت هویت «سردرگم» قرار می‌گیرند (مارکستروم آدامز ۱۹۹۲، واترمن ۱۹۹۲، گروتوانت و کوپر ۱۹۸۶، به نقل از لطف‌آبادی ۱۳۷۸). مطالعه ی دیگری که گروتوانت و کوپر (۱۹۸۹) انجام دادند، نشان داد، دانش‌آموزانی که در منزلت هویتی بحران زده قرار گرفته‌اند، در خانواده از نظر عاطفی تأمین نشده‌اند و احساس نزدیکی و احترام توأم با آزادی را در مقابل مخالفت‌هایشان با والدین تجربه نکرده‌اند. در مطالعه ی دیگری که آن‌ها انجام دادند (۱۹۸۵-۱۹۸۶)، به این نتیجه رسیدند: نوجوانانی که در سطوح بالاتری از نظر هویت قرار دارند، در خانواده‌هایی پرورش یافته‌اند که ضمن فراهم ساختن محیطی حمایت‌کننده، فرصت‌های بیش‌تری برای بیان و گسترش نقطه نظرات فرزندان خود ایجاد کرده‌اند.

اگر نوجوان وابستگی شدیدی به والدین خود داشته باشد و مدام از آنان فرمان ببرد، هویت او حاکی از تسلیم‌طلبی در مقابل آنان خواهد بود؛ زیرا ممکن است هیچ‌وقت به خود اجازه ندهد که اقتدار آنان را زیر سؤال ببرد. برعکس نوجوانانی که هویت محکمی به دست می‌آورند، علاوه بر این که از حمایت‌های عاطفی محکم و آزادی کافی در محیط خانواده برخوردارند، اجازه هم پیدا می‌کنند که فردیت خود را حفظ کنند و بروز دهند. وقتی کودکان اجازه پیدا کنند نظرات خود را حتی اگر مخالف نظرات والدینشان باشد، به راحتی ابراز کنند و والدین غیر عقاید آنان را به دیده ی احترام بنگرند و در عین حال نظم و کنترلی متعادل در خانواده برقرار سازند و بر موفقیت‌های تحصیلی فرزندان خود تأکید ورزند و آنان را در این راه تشویق کنند، طبعاً رشد هویت نوجوانان در چنین خانواده‌هایی نیز با موفقیت همراه خواهد شد. این که نوجوان برای بررسی احتمالات متفاوت دست‌یافتن به هویت، تاچه حدی آزادی عمل دارد، به شدت تحت تأثیر روابط درون خانواده است (لطف‌آبادی ۱۳۷۸). عملکرد مطلوب یا نامطلوب خانواده بر هویت‌یابی نوجوان تأثیر تعیین‌کننده دارد. نتایج تحقیق نجفی (۱۳۸۲) با عنوان «بررسی رابطه کارآیی خانواده و دینداری با بحران هویت، حاکی از وجود رابطه‌ای معکوس معنادار بین کارآیی خانواده و بحران هویت است.» در این تحقیق، تأثیر کارآیی خانواده بر هویت‌یابی نوجوانان تأیید شده است. این امر بیانگر نقش و اهمیت و جایگاه مهم خانواده در فرایند احراز هویت نوجوانان است. بنابراین می‌توان گفت که هویت هر انسانی در خانواده شکل می‌گیرد. حال اگر خانواده‌ای دچار اختلال و نابسامانی باشد و کارکرد و نقش اصلی خود یعنی تربیت و پرورش فرزندان را از دست بدهد، فرایند جامعه‌پذیری نوجوانان به خوبی انجام نمی‌شود. در نتیجه نوجوان هنگام ورود به عرصه‌های مختلف اجتماعی دچار بحران هویت می‌شود و نمی‌تواند خود را با ارزش‌های پذیرفته‌شده ی جامعه هم‌نوا و نقش خود را به خوبی ایفا کند (نجفی، ۱۳۸۳ ص ۳۰).

برجلی در سال ۱۳۷۹ در یافته‌های پژوهشی خود بر این باور است که ساختار حاکم بر خانواده، در شکل‌گیری هویت انسان دخیل است (برجلی، ۱۳۸۰). دسون در پژوهش خود به رابطه معنادار بین عملکرد خانواده، دلبستگی بین فردی و هویت دست یافت. تمهیدات یادشده در بالا، در مجموع نشانگر تأثیر نقش خانواده در شکل‌گیری هویت نوجوانان است. گرچه هنوز نمی‌توان از کمیت مشخصی به عنوان شدت و چگونگی این تأثیر سخن گفت. پژوهش گانگ^۶ و همکاران اودرسال ۲۰۰۰ نشان دادند هرچه

^۱ Grvtvant & Cooper

^۲ Hauser

^۳ Markstrvm Adams

^۴ Waterman

^۵ Grvtvant & Cooper

^۶ Kang. J

Psychology and Social Health

عملکرد خانواده مطلوب تر باشد، حس نوجوان از هویت خود قوی تر است (نجفی، احدی، دلوری، ۲۳: ۱۳۸۵). کامینگز و همکارانش پایه و اساس مشکلات نوجوانان را ارتباط بین فرد و آسیب شناسی خانواده ذکر می کنند. ابزار آشکار عشق و محبت به فرزند باعث عزت نفس، مناسبات سازنده و رضایت بخش با دیگران و همچنین احساس با کفایتی از هویت نوجوانان و جوانان می شود. برشان^۲ در سال ۱۹۹۳ در پژوهش خود دریافت که بین کارایی خانواده و هویت رابطه وجود دارد. وی خانواده را محیط مهمی برای رشد نوجوان می داند. جورج^۳ در سال ۱۹۹۷ به این نتیجه رسید که سلامت و عملکرد خانواده، رشد هویت را باعث می شود و عامل مهمی در هویت یابی نوجوان محسوب می شود. در مورد تأثیر خانواده باید گفت زمانی که در خانواده نقش ها و مسئولیت های هر یک از اعضا و قوانین حاکم بر محیط خانواده روشن و مناسب نیست و پیوند منسجم، محکم و عاطفی بین اعضای خانواده وجود ندارد و خانواده نمی تواند کارکردهای خود را به طور صحیح به اجرا درآورد، اعضای آن نمی توانند هویت ثابت و منسجمی داشته باشند.

۸. نتیجه گیری

هویت یک مفهوم روانی است که فرد به اعتبار آن از دیگران متمایز می شود و تأثیر مستقیمی بر انتخابات و تصمیم گیری ها و نحوه ی ارتباط فرد در زندگی دارد. در طول دوره ی کسب هویت دوره ای به نام بحران هویت وجود دارد که در سنین نوجوانی رخ می دهد و به تبع آن نوجوانان در سازگاری شخصی، روابط اجتماعی، پیشرفت تحصیلی و طرح ریزی شغلیشان اختلال ایجاد می شود. اگر نوجوانان بحران هویت را به خوبی نگذرانند دچار افسردگی و ناامیدی می شوند.

به عقیده اریکسون، نوجوانان در جوامع پیچیده دستخوش بحران هویت می شوند؛ یک دوره ی موقتی پریشانی که هنگام امتحان کردن گزینه ها، قبل از انتخاب کردن ارزش ها و اهداف، دچار آن می شوند. آنها فرآیند جست و جو کردن درونی را آغاز می کنند، خصوصیتی که خود را در کودکی توصیف می کردند تغییر می دهند و آن ها را با صفات، توانایی ها و تعهداتی که نمایان می شود ترکیب می کنند. (برک، ۱۳۹۲ ص ۶۹)

عوامل متعددی از جمله رسانه ها، مذهب، گروه همسالان، مدرسه، خانواده و ... در بحران هویت نوجوانان مؤثرند؛ خانواده به عنوان نخستین پایگاه تربیت، در تمام مراحل رشد به ویژه در سال های نوجوانی، نقش مهمی برعهده دارد. درحقیقت پایه و اساس شخصیت فرد در خانواده پی ریزی می شود، ساختار خانواده تأثیر مهمی در رشد عاطفی - اجتماعی نوجوان دارد. روابط پدر و مادر با یکدیگر و یا فرزندان، نقش تعیین کننده ای در سلامت روانی نوجوان برجای می گذارد. اگر این روابط براساس درستی استوار باشد می تواند نوجوان را در گذار از این مرحله ی دشوار، یاری رساند. برعکس، نامناسب بودن روابط خانوادگی، زمینه برای ایجاد مشکلات و انحرافات فراهم می گردد.

نوع و سبک تربیت والدین نقش مهمی در شکل گیری هویت نوجوانان دارد بنابراین هرگونه افراط و تفریط در روش های تربیتی ممکن است راه را برای تشدید بحران هویت نوجوانان هموار سازد، هرچه روابط میان نوجوانان و والدین صمیمی و دوستانه تر باشد مشکلات نوجوانان کاهش می یابد، از طرفی دیگر هرچه نقش ها در خانواده مشخص تر باشد و خانواده عملکرد بهتری داشته باشد هویت یابی نوجوانان بهتر صورت می گیرد.

توجه به این نکته ضروری است که اگر وابستگی و دلبستگی نوجوانان به خانواده زیاد باشد و نوجوانان حق تفکر انتقادی و اظهار نظر را در خانواده نداشته باشد مشکلات موجود در بحران هویت تشدید می شود و منجر به کسب هویت منفی در نوجوان می شود.

^۱ Cumings

^۲ Bhushan

^۳ George.D

Psychology and Social Health

آموزش خانواده ها، فراهم کردن امکانات مناسب برای پرکردن اوقات فراغت نوجوانان و از عوامل مهمی است که نقش تعیین کننده ای در سلامت روانی نوجوانان دارد. به طور کلی، نوجوان سالم در محیط خانوادگی و اجتماعی سالم، می تواند رشد یابد (قاسم زاده، ۱۳۸۰)

بنابراین چنین نتیجه می گیریم؛ نوجوانانی که از خانواده هایی برخوردارند که از آن ها حمایت عاطفی و روانی می کنند و این نوجوانان نسبت به خانواده خود احساس دل بستگی دارند، و در عین حال حق اظهار عقاید و نظرات خود را دارند در هویت یابی با بحران کمتری مواجه می شوند و در کسب هویت مثبت توانا تر هستند.

مراجع

- [۱] احدی، حسن؛ جمهوری، فرهاد (۱۳۸۰)؛ روان شناسی رشد ۲، تهران: نشر پردیس.
- [۲] احدی، حسن و محسنی، نیکچهره (۱۳۷۲)؛ روان شناسی رشد، مفاهیم بنیادی در روان شناسی نوجوانی و جوانی. تهران: انتشارات بنیاد.
- [۳] امانی، احمدی و بابایی گرمخانی، محسن (۱۳۹۳)؛ «بررسی رابطه همبستگی خانواده و الگوی انضباطی والدین با بحران هویت و عشق پر شور به جنس مخالف در پسران نوجوان.
- [۴] برجلی، احمد (۱۳۸۰) تحول شخصیت در نوجوان. تهران: انتشارات ویرای دانش.
- [۵] برک، لورا (۱۳۹۲)؛ روان شناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی)، یحیی سید محمدی: ۲. تهران: نشر ارسباران.
- [۶] بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۶)؛ روان شناسی نوجوانان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- [۷] حاجیانی (و همکاران)، ابراهیم (تابستان ۱۳۸۷)؛ «هویت»، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام گروه پژوهش های فرهنگی و اجتماعی، شماره ۱۹.
- [۸] خلیلی شورینی، سیاوش (۱۳۷۷)؛ روانشناسی نوجوانی، تهران: مؤسسه انتشارات یادواره کتاب.
- [۹] دهشیری، غلامرضا (بی تا)؛ «بررسی رابطه ی دینداری و بحران هویت در بین دانش آموزان دبیرستانی شهرستان یزد».
- [۱۰] آر بانی، جعفر (۱۳۸۱)؛ هویت ملی، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- [۱۱] آرجایی، علیرضا؛ تیموری، سعید؛ ساقی، محمدحسین (آذر ۱۳۸۷)؛ «بررسی رابطه ادراک نوجوانان از عملکرد خانواده با احساس امنیت روانی»، همایش روانشناسی و کاربرد آن در جامعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- [۱۲] اسبجانی جو، حیات علی (آبان ۱۳۸۳)؛ «هویت و بحران هویت»، مجله پیوند شماره ۱۰: ۳۰.
- [۱۳] اسبجانی جو، حیات علی (اسفند ۱۳۸۳)؛ «نسل جوان بحران هویت و راه های پیشگیری از آن»، مجله پیوند شماره ۳۰۵: ۱۴.
- [۱۴] اشرفی، محمد رضا (۱۳۸۰)؛ جوان و بحران هویت، تهران: سروش.
- [۱۵] اشرفی، اسماعیل؛ اکرم، کاکاوندی (بهار و تابستان ۱۳۸۹)؛ «رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با بحران هویت جوانان»، فصلنامه تخصصی پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه شماره چهارم.
- [۱۶] قاسم زاده، فاطمه (۱۳۸۰)؛ آری گفتن نیاز های کودکان. تهران: دنیای مادر.
- [۱۷] لطف آبادی، حسین (۱۳۷۹)؛ روان شناسی رشد ۲، تهران: انتشارات سمت.
- [۱۸] لطف آبادی، حسین (۱۳۷۸)؛ روان شناسی رشد کاربردی و نوجوانی و جوانی، جلد اول. سازمان ملی جوانان.
- [۱۹] مریدی، محمد رضا؛ تقی زادگان، معصومه (تابستان ۱۳۸۶)؛ «بررسی بحران هویت در بین دانش آموزان (نمونه موردی دانش آموزان شهر لار در سال تحصیلی ۸۵ - ۱۳۸۴)»، مجله مطالعات ملی شماره ۳۰: ۳۰.
- [۲۰] مینوچین، سالوادور (۱۳۷۵)؛ خانواده و خانواده درمانی، ترجمه باقر ثنائی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- [۲۱] آنجفی، محمود (۱۳۸۲)؛ «بررسی رابطه ی کارآیی خانواده و دینداری با بحران هویت دانش آموزان دختر و پسر پایه سوم مقطع متوسطه ی شهر تهران»، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۲۲] آنجفی، محمود (دی ۱۳۸۳)؛ «هویت مبهم: خانواده و هویت یابی نوجوانان»، مجله رشد معلم شماره ۱۸۷: ۱۸۷.
- [۲۳] آنجفی علمی، محمود (پاییز ۱۳۸۹)؛ « فناوری اطلاعات، نوجوانان و بحران هویت»، مجله ره آورد نور شماره ۳۲: ۳۲.
- [۲۴] هربرت، مارتین (۱۳۷۸)؛ روان شناسی بالینی کودک (یادگیری اجتماعی، رشد و رفتار)، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: انتشارات شناخت.